

بر اساس آمارهای رسمی سازمان ملل متحد، بیش از ۲۶۰ میلیون کودک، نوجوان و جوان در سراسر جهان از امکان تحصیل در مدرسه محروم هستند. با وجود پیشرفت‌های صورت‌گرفته در دستیابی به برابری جنسیتی در فقیرترین کشورهای جهان، تعداد دخترانی که دسترسی به آموزش عالی ندارند بسیار بیشتر از پسران است.

تحقیقات نشان داده است که آموزش دختران به‌ویژه دارای «آثار چندگانه» است. دختران تحصیل‌کرده بیشتر احتمال دارد که دیرتر ازدواج کنند و فرزندان کمتری داشته باشند و بنابراین فرزندان آنان احتمال و امکان بیشتری برای زنده‌ماندن و تغذیه بهتر و تحصیل خواهند داشت. زنان تحصیل‌کرده در خانه مؤثرتر هستند و در محل کار دستمزد بیشتری می‌گیرند و قادر به شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند.

اوایل امسال، اتونوبو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، ملاله یوسف‌زی، فعال حوزه آموزش و برنده جایزه نوبل، را به‌عنوان *سفیر صلح* سازمان ملل متحد با تمرکز ویژه بر آموزش دختران انتخاب کرد. خانم یوسف‌زی در ۱۱ سالگی در مدرسه‌ای دخترانه در پاکستان تحصیلات خود را آغاز کرد. پس از سو، قصد طالبان به جان ملاله در سال ۲۰۱۲، او همراه با پدرش، ضیا‌الدین، بنیاد و صندوقی را تأسیس کرد تا برای هر دختر ۱۲ ساله‌ای امکانات تحصیل رایگان، ایمن و باکیفیت را فراهم آورد.

در ماه سپتامبر (شهریور)، صندوق ملاله شبکه گلمکایی (Gulmakai) را برای حمایت از کار فعالان حوزه آموزش در کشورهای درحال توسعه و سرعت‌بخشیدن به پیشرفت تحصیلی دختران در سراسر جهان به وجود آورد. این دختر ۲۰ساله که قرار است در دانشگاه آکسفورد تحصیل کند، درباره نیاز به افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و اهمیت دادن امکان گفت‌وگو به دختران برای صحبت درباره اینکه چگونه می‌خواهند زندگی کنند، با خبرگزاری سازمان ملل متحد صحبت کرده است.

لا در مورد ابتکار جدید صندوق ملاله برای کمک به آموزش دختران در تعدادی از کشورها بیشتر به ما بگویید.

صندوق ملاله شبکه گلمکایی را پدید آورده است و هدف این ماموریت، تقویت رهبران محلی و برخی

گفت‌وگو با ملاله یوسف‌زی، برنده جایزه نوبل و سفیر صلح سازمان ملل متحد

چرا برای یک هدف خوب زندگی نکنیم؟



فعالان محلی است. ما به‌این‌ترتیب از آنها حمایت می‌کنیم و هم‌اکنون در پاکستان، افغانستان، نیجریه و همچنین مناطق اسکان پناه‌جویان سوری کار می‌کنیم. ما می‌خواهیم با افزایش سرمایه‌گذاری از وکلای محلی و همچنین نمایندگان محلی حقوق دختران حمایت کنیم.

برای این کار سه میلیون دلار داریم و می‌خواهیم این گروه را گسترش دهیم، تلاش‌های خود را مضاعف کنیم و مطمئن شویم که می‌توانیم به تعداد بیشتری از فعالان محلی تا جایی که می‌توانیم کمک کنیم، زیرا آنها تغییردهندگان واقعی جامعه هستند و از طریق آنها می‌توانیم تغییر ایجاد کنیم.

لا به طور مشخص، چگونه می‌خواهید از این پول استفاده کنید؟

روی رهبران محلی و فعالان محلی سرمایه‌گذاری خواهیم کرد. این فعالان محلی در سطح محلی و ملی گفت‌وگو و برای آموزش دختران مبارزه خواهند کرد؛ برای مثال، فعالان ما در نیجریه همراه با صندوق ملاله کمیته‌ی برای اطمینان از اینکه دولت نیجریه دوران تحصیل را از ۹ سال به ۱۲ سال افزایش می‌دهد، به راه انداختند. ما در این مبارزه موفق شدیم و قانون تغییر کرد. ما در پاکستان و افغانستان در کمیته‌هایی

مشابه شرکت می‌کنیم. ما همچنین موضوع آموزش معلمان را نیز در برنامه داریم. همچنین توانمندسازی دختران و کمک به آنها به این منظور که آنها بتوانند با رهبران نیز صحبت کنند، در برنامه کار ماست. این برنامه همچنین شامل آموزش اینترنتی و پیشرفت‌های دیگر در کیفیت آموزش می‌شود. بنابراین یک پروژه گسترده است که بسیاری از مناطق را پوشش می‌دهد، اما هدف اصلی ما این است که رهبران محلی را توانمند کنیم.

لا چه مواردی را ضمن تلاش‌های خود برای ارتقای آموزش دختران در سفرهایتان مشاهده کرده‌اید؟

امسال، در برنامه توانمندسازی دختران سفری به آمریکا، کانادا، سپس نیجریه، عراق و مکزیک داشتم و در این مکان با دخترانی شگفت‌انگیز و باورنکردنی ملاقات کردم و داستان‌های الهام‌بخشی نیز شنیدم. در عراق دختری به نام نجلا را دیدم. ۱۴ ساله بود که لباس عروسی پوشید و کفش‌های پاشنه‌بلندش را از پا درآورد و از عروسی فرار کرد. بعد روستای او را داعشی‌ها تسخیر کردند، اما او از پا نیاستاد و هنوز به تحصیلات خود ادامه می‌دهد، صحبت می‌کند و ... و قصد دارد روزنامه‌نگار شود.

این داستان‌ها برای من الهام‌بخش است، اما هدف من این است که این داستان‌ها را به یک پلتفرم جهانی مانند سازمان ملل متحد بیاورم و امکانی فراهم آورم که این دختران با رهبران کشورشان و رهبران محلی دیدار کنند تا صدایشان شنیده شود.

لا همچنین یک زن جوان را از جمهوری دموکراتیک کنگو آورده‌اید. داستان او چیست؟ چه چیزی باعث شد او را به سازمان ملل متحد بیاورید تا با رهبران جهان صحبت کند؟

این دختر جوان را در لنکستر آمریکا دیدم و فکر می‌کنم او نمی‌داند که من در لنکستر، در آمریکا، این دختر جوان را دیدم و فکر می‌کنم او نمی‌دانست چه بر سر من آمده است، اما او داستان خودش را به من گفت. واقعا برای من الهام‌بخش بود، چون در کشورش، کنگو، با مشکلات فراوانی مواجه شده و بی‌رحمی زیادی دیده بود. اعضای خانواده‌اش کشته شده بودند، بدتر از چیزی بود که می‌توانستیم تصور کنیم. اما او در مقابل تمام این درگیری‌ها و همه آن جنگ‌هایی که دید، مقاومت کرد و اکنون او در ایالات متحده است و هرروز مبارزه می‌کند. آرزویش این است که یک پرستار باشد. نام او ماری کلر است. من واقعا به او افتخار و از او حمایت می‌کنم تا بتواند به آرزوهای خود برسد و درعین‌حال با دخترانی مانند خودش صحبت کند.

لا شما در زندگی شجاعت و انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای نشان داده‌اید. چه چیزی در درون شما این قدرت را به شما می‌دهد؟

من در زندگی‌ام تروریسم و افراط‌گرایی زیاد دیدم تا آن زمان که مورد حمله قرار گرفتم. به نقطه‌ای رسیدم که در مورد اینکه آیا می‌خواهم کمپین خود را برای آموزش دختران ادامه دهم یا نه، تصمیم بگیرم. مدت‌ها از خانه‌ام در پاکستان دور بودم. حالا که جان سالم به‌در برده‌ام، این را فهمیده‌ام که زندگی من هدفی داشته و آن هدف، آموزش کودکان بوده است. ما فقط شاید ۷۰ یا ۸۰ سال زندگی می‌کنیم. پس چرا برای یک هدف خوب زندگی نکنیم؟ چرا برای این زندگی نکنیم که خدمتی به بشریت و به دنیا کمک کنیم؟ بنابراین من می‌خواهم تا جایی که می‌توانم به تعداد بیشتری از دختران کمک کنم و مطمئن شوم که آموزش‌وپرورش باکیفیت در اختیار آنها قرار می‌گیرد و می‌توانند رؤیاهای خود را محقق کنند.

منبع: وب‌سایت سازمان ملل متحد

زاویه

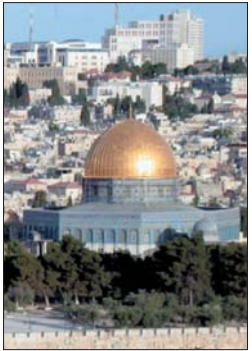
گزارش

امید به تأمین نیازهای اولیه زندگی

مدتی از صلح بین حماس و فتح گذشته است. عده‌ای از فلسطینی‌ها از آشتی تازه‌ای که میان دو گروه سیاسی رقیب حماس و فتح برقرار شده است خوشحال شدند. با دیگران که صحبت می‌کنم، محتاط‌تر هستند، اما بسیار امیدوارند این پایان یک دهه جنگ و دشمنی باشد که احساس می‌کنند به انگیزه‌های ملی‌گرایانه آنها آسیب زده است.

براساس قراردادی که با میانجیگری مصر منعقد شده است، انتظار می‌رود مقامات دولت خودگردان فلسطین (PA) تحت فرمان فتح، تا ۱۰ دسامبر (۱۰ آذر) کنترل کامل تمام این قلمرو را برعهده بگیرد. دولت خودگردان فلسطین و نیروهای امنیتی آن در سال ۲۰۰۷ که حماس، یک سال پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی کنترل غزه را در دست گرفت، ناچار به خروج از آن منطقه شدند.

نعیم‌الخطیب که پدر شش فرزند است، معتقد است «حماس انعطاف‌پذیری‌های بی‌سابقه‌ای نشان می‌دهد. این به ما امید می‌دهد که مردم عمل‌گرا می‌شوند و خودشان را فلسطینی می‌بینند، نه به‌عنوان بخشی از یک گروه اسلامی جهانی». او می‌افزاید: «هنوز مشکلات بسیاری وجود دارد که باید بر آنها



غلبه کنیم - اما مخالفت با آشتی، وضعیت بسیار غم‌انگیزی پدید می‌آورد که من خیلی بدم می‌آید دوباره گرفتارش شویم».

در سال‌های اخیر حدود دو میلیون نفر از ساکنان غزه به دلیل تعمیق شکاف‌های سیاسی و فشار مالی که محمود عباس رئیس دولت خودگردان بر حماس تحمیل کرده بود، با مشکلات و گرفتاری‌های بسیاری مواجه شده‌اند. دولت خودگردان او مالیات‌های سنگینی بر سوخت تنها نیروگاه ناز غزه وضع کرد و میزان برق خریداری‌شده از اسرائیل برای غزه را کاهش داد. برقی این منطقه درحال‌حاضر تنها چند ساعت در روز برقرار است. این امر سبب می‌شود که تأسیسات آب‌شیرین‌کن و تأسیسات تصفیه فاضلاب درست کار نکنند.

حقوق بیش از ۶۰ هزار نفر از کارکنان دولت که هنوز حقوق و دستمزدشان را از دولت خودگردان دریافت می‌کنند، به یک‌سوم کاهش یافته است. ذخایر دارو و به اتمام است. اکنون انتظار می‌رود برخی از تحریرها برچیده شود.

آمال، یک معلم ساکن غزه، می‌گوید: «ما امیدواریم برق بلافاصله برگردد. این یکی از نیازهای اولیه و از ضروریات زندگی عادی است. من فکر می‌کنم این (آشتی) مسئله فاضلاب ما را حل خواهد کرد. ما غزه‌ای‌ها به دریا بسیار وابسته هستیم و امیدواریم به‌این‌ترتیب دریا دوباره باز شود». اسرائیل و مصر خواهان زد و نه چیز دیگری از دنیای خود، به معنای دقیق‌تر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند و درنهایت این فاصله مصنوعی همیشگی بین مردم و مدیران برای همیشه باقی می‌ماند. اگر، ما سیاستمداران را به سمتی هدایت کنیم که به طرف نمونه‌های فعلی بروند دیگر رنگی در سیاست باقی نمی‌ماند و همه یک‌شکل خواهند شد؛ از پوشش گرفته تا لباس و سخرانی. کت‌وشلوازی که هم‌زمان همه پوششند دیگر برندی نخواهد ساخت و برای همین است که در سیاستی که همه کت می‌پوشند، کسی با کاپشن خود می‌تواند جلب توجه کند. شاید تصور منفی از این هوشمندی داشته باشید آن هم به‌خاطر صاحب آن کاپشن‌ا من این کار او تمهیدی بود برای شکستن فاصله مصنوعی حاکم. می‌توانید با مراجعه به نمونه کشورهای دیگر ببینید کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای این نوع تمایزها چه برنامه‌ریزی‌های دقیق و هوشمندانه‌ای می‌کنند.

البته از طرف دیگر باید اذعان کرد درحال‌حاضر نمایندگان، مدیران و حتی بسیاری وزرای ما برنامه‌ای برای تصویر و تصوراتی به‌وجودآمده از خود ندارند و هرچه پیش آمده، پیشامد بوده و برای همین است که اکثر مدیران میانی کشور ما شیوه هم هستند اما قبول کنیم که جز سیستم، ما نیز در حرکت چرخ‌نده‌های این خط تولید نقش داریم.

یادداشت

از سیاستمداران، بازیگر نسا‌یزم

علی حسنلو

نیازی به مقدمه و اثبات این ادعا نیست که شبکه‌های اجتماعی در حال تغییر تمام مناسباتی است که پیش‌تر به نحوی دیگر ظهور و بروز داشت. در هر یک از شبکه‌های اجتماعی، افراد به نوعی در حال معرفی هرچه بیشتر و جوه شخصیتی خود هستند زیرا هر کدی که از این شبکه‌ها مخابره می‌کند آجری بر بنای تصویر آنهاست. این شبکه‌ها نگاه به سیاستمداران را نیز تغییر داده و زوایایی از آنها را هویدا می‌کند که پیش‌تر مردم نمی‌دیدند. هرچند عده‌ای با همان نگاه سابق و سنتی به سیاستمداران، در حال القای خواسته‌های خود هستند تا سیاستمداران را بازیگر کنند. بازیگرانی که حتی در تخی خواب خود با کت‌وشلوار و پیراهن یقه‌بسته می‌خوانند؛ این یعنی ادامه خط تولید سیاستمداران مشابه.

حتما به یاد دارید همین چند ماه پیش یک نماینده زن مجلس به جای مقدمه‌های تکراری، با حس‌وحال زنانه خود، کلامش را با نام خدای رنگین‌کمان آغاز می‌کند (رنگین‌کمان نماد هم‌نشینی زی‌بای رنگ‌های متفاوت است). خنده‌ای بر لبان نگاه مردانه و تکرنگ مجلس (و حتی ما) نقش می‌بندد چون تصویری از رنگین‌کمان در مجلس نداریم چون مجلس جای این حرف‌ها نیست. مجلس جای کت‌وشلوارهای یک‌رنگ است. مجلسی که تا‌به‌حال ۲۰ زن را در کنار هم به خود ندیده از شنیدن یک عبارت برآمده از حس‌وحال زنانه خواهد خندید چون اینجا هر کسی پشت تریبون رفته کلام خود را با جملات تکراری و غیرخلاقانه آغاز کرده و هر کسی هم آمده همین وضع را ادامه داده تا مبدا مورد طعنه دیگران باشد. حتی این وضعیت باعث شده نطق‌های زنان هم شبیه مردان شود.

نمی‌دانم به یاد دارید یا نه. روزی که رئیس‌جمهور روحانی برای تماشای یک مسابقه فوتبال، لباس آستین‌کوتاه تیم ملی و شلوار ورزشی بر تن کرد و به تماشای مسابقه در خانه خود نشست؛ اتفاقی کم‌نظیر در میان مدیران جمهوری اسلامی، آن هم یک مقام عالی‌رتبه و معمم. انتشار عکسی از حریم شخصی با پوششی کاملا عادی. هرچند فضای این عکس مصنوعی و غیرهوشمندانه طراحی شده بود. اما هرچه بود، یک اتفاق تازه بود. شاید برای شما سؤال باشد که چرا بعد از چند سال دیگر این رفتار تکرار نشد؟ چون بسیاری گفتند پرستیژ رئیس‌جمهور زیر سؤال رفت، مگر رئیس‌جمهور لباس ورزشی می‌پوشد؟ تصویری که دقیقاً در زمان کودکی، از دیدن معلم خود در یک ساندویچی یا استخر داشتیم! مگر معلم استخر می‌رود؟! همین نگاه بازیگر ساز تحمیلی باعث شد اینستاگرام و توئیتر رئیس‌جمهور شبیه هم شود. البته بار دیگر نیز این اتفاق رخ داد و آن انتشار عکس رئیس‌جمهور در کوه‌نوردی و در کنار چند دختر و پسر جوان بود البته نزدیک انتخابات بود و می‌دانیم از این اتفاق‌ها در آن مقاطع کم نمی‌افتد.

حالا به نزدیک تریبایم. یک عضو شورای شهر از خستگی کاری خود می‌گوید و اینکه سال قبل همین موقع در سفر بوده. عضوی عکس خانوادگی از خود منتشر می‌کند، عضوی دلنوشته می‌نویسد و… هر یک مورد هجمه گروهی قرار می‌گیرد که آقا یا خانم ما به



شما رای داده‌ایم که تهران را آباد کند نه اینکه این حرف‌ها را بریزید! به محتوای آن پست‌ها کاری ندارم که اتفاقاً باید درباره طراحی و چگونگی آنها نیز صحبت کرد، در اینجا بحث فقط درباره شکل ظاهری ماجراست. این مطالبه که نماینده ما باید خدمت کند، خواست‌های به‌حق است اما در محملی برپ. دلیل نمی‌شود چون ما به کسی رای داده‌ایم و او را به منصبی رسانده‌ایم، دنیا و عالم شخصی خود را رها کند و چهار سال شب و روز از خدمت صادقانه و بی‌خوابی و تلاش ۲۴ ساعته بگوید. تصور می‌کنید سیاستمداران جز کار سیاسی کار دیگری ندارند؟ اگر یک عضو شورای شهر عکسی از غذایی که پخته در اینستاگرام بگذارد، به او می‌خندید؟ یا عکسی از سفر شخصی کنار همسر و فرزندش منتشر کند او را سرخوش تلقی می‌کنید؟ یعنی تصور می‌کنید کسانی که شما همیشه آنها را با کت‌وشلوار می‌بینید و دائم از خدمت می‌گویند، تفریح نمی‌کنند؟ درباره مشکلات شغل خود غر نمی‌زنند و ابراز خستگی نمی‌کنند؟ ساعت و حالت شخصی ندارند؟ اگر می‌دانید همه این‌ها را دارند و حتی می‌گویند متفاوت‌تر از اینها را هم در خلوت دارند و باز اصرار دارند از آن نگویند، پس شما دوست دارید بازیگری کنند. شما دوست دارید که بشنوید آنها احساس تکلیف کرده‌اند و تائب‌ای نمی‌نشینند و قدرت و ثروت برای آنها اهمیتی ندارد؟ درحالی‌که می‌دانید این یعنی نقش بازی‌کردن. اگر رنگ منحصر‌به‌فرد یک سیاستمدار را از بین ببرید، از او بازیگر ساخته‌اید. این افراد دیگر نه حرف از این مسائل خواهند زد و نه چیز دیگری از دنیای خود، خود به مخاطب ارائه می‌کنند. به معنای دقیق‌تر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند و درنهایت این فاصله مصنوعی همیشگی بین مردم و مدیران برای همیشه باقی می‌ماند. اگر، ما سیاستمداران را به سمتی هدایت کنیم که به طرف نمونه‌های فعلی بروند دیگر رنگی در سیاست باقی نمی‌ماند و همه یک‌شکل خواهند شد؛ از پوشش گرفته تا لباس و سخرانی. کت‌وشلوازی که هم‌زمان همه پوششند دیگر برندی نخواهد ساخت و برای همین است که در سیاستی که همه کت می‌پوشند، کسی با کاپشن خود می‌تواند جلب توجه کند. شاید تصور منفی از این هوشمندی داشته باشید آن هم به‌خاطر صاحب آن کاپشن‌ا من این کار او تمهیدی بود برای شکستن فاصله مصنوعی حاکم. می‌توانید با مراجعه به نمونه کشورهای دیگر ببینید کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای این نوع تمایزها چه برنامه‌ریزی‌های دقیق و هوشمندانه‌ای می‌کنند.

البته از طرف دیگر باید اذعان کرد درحال‌حاضر نمایندگان، مدیران و حتی بسیاری وزرای ما برنامه‌ای برای تصویر و تصوراتی به‌وجودآمده از خود ندارند و هرچه پیش آمده، پیشامد بوده و برای همین است که اکثر مدیران میانی کشور ما شیوه هم هستند اما قبول کنیم که جز سیستم، ما نیز در حرکت چرخ‌نده‌های این خط تولید نقش داریم.